

## "جهان بینی نادرشاه افشار"

وقتی نام ایران به میان می آید ، سرزمین پهناوری در نظر مجسم می گردد که به مقتضای ارضی و جغرافیائی ، مساحتی در حدود دو میلیون و ششصد هزار کیلومتر مربع را شامل می شود و بر همه محدوده های تعلق می پذیرد که " فلات ایران " خوانده می شود این فلات به طور اساسی دربرگیرنده ایرانی کنونی است به اضافه بخش هایی از آن در شمال ، شمال خاوری و شمال باختری که اینک زیر نفوذ روسیه شوروی است<sup>۱</sup> با آن منطقه از ایران شرقی که در حال حاضر قسمت هایی از دو کشور همسایه دیگر را در بر می گیرد . و اما صرف نظر از این تعبیر جغرافیائی که قلمرو فرهنگ آریائی ایران را بدون استعمال کنونی آن بر مسائل نژادی و سیاسی — معلوم می دارد ، سرزمینی که از حدود سه هزار سال قبل ، به طور مشخص نام آخرین اقوام فاتح مستقر را بر روی خود نهاده ، دارای سابقه تاریخی درخشانی است و گذشته از قدمت آثار مدنی آن که به قرب ده هزار سال قبل می رسد ،<sup>۲</sup> از حدود دو هزار و ششصد سال پیش ، به طور جدی ، قاطع و مؤثر در صحنه حوادث دنیائی ، نقش هایی بر عهده گرفته است .<sup>۳</sup> این مسئله در چشم آریای بصیرت و خیرت ، نه تنها متوجه توسعه سرحدات و قلمروهای حکومتی است که طبیعتاً تغییر پذیر بوده و تنها نماینده بخشی از تحرکها و فعالیت های اجتماعی می شده — بلکه ملتفت معانی دقیقتر و عمیقتری است که مسلماً خدمت به دنیای فرهنگ و دانش و بینش انسان هارا بیشتر شامل می شده است .

---

۱ — دولت تزاری روس این مناطق را در طی دو دوره جنگ که به عهدنامه های گلستان (۱۸۱۳/۱۸۱۳) و ترکمانچای (۱۸۲۸/۱۲۴۳) منتهی گردید ، از ایران جدا ساخت و بعدها طبق عهدنامه آخال (۱۸۸۴/۱۳۰۱) سلطه خود را بر نقاطی که امروز آسیای مرکزی روس خوانده می شود ، تثبیت کرد .

۲ — اشاره به آخرین تحقیقاتی است که به همت باستان شناسان ایرانی و به خصوص هیئت علمی دانشگاه تهران ، در اراضی سگزآباد ، زاغه و . . . دشت تروین انجام گرفته و وجود مراحل مدنی متعددی را اثبات کرده است .

۳ — هووخشتره پادشاه ماد — از اقوام آریائی مستقر در غرب فلات — در سال ۱۲۶۰ ق م ، به آسور که بزرگترین قدرت دنیای قدیم تا آن روزگار بود ، حمله کرد و زاپایش در آورد . در واقع ، تشکیل دولت شاهنشاهی ایران قدمتی بسیار بیشتر از زمان معروف داده آن دارد .

در همین زمینه شاید اشارتی به نام نخستین پیامبر بزرگ آریائی، زرتشت، بی‌فایده نباشد که مبشر راستی است و اصول اعتقادی خود را بر اساس سه پایه متین و ابدی کردار نیک، گفتار نیک و پندار نیک قرارداد. است نوامیسی که می‌تواند سرمنشاء همه ادیان الهی باشد و اگر به درستی و خلوص مورد اعتناء قرار گیرد، ریشه‌های نکبت و جهل و ظلم را از روی زمین براندازد.

مطمئنم که حضار دانشمند در یادآوری خلاصه‌ای از تاریخ طولانی وطن من، با نام‌های درخشان خدمتگزاران بزرگ انسانی ایرانی‌آشنائی دارند و سهمی را که مردم، از دیرباز برای تکامل و توسعه تمدن‌های بشری بر عهده داشته‌اند، به دیده تقدیر مینگرند. نهایت این است که ما، به عنوان مردمی آسیائی، در جوار دیگر ساکنان این قاره عظیم و پربرکت و مردمی دوست، کوشیده‌ایم که علیرغم حوادث تلخ و دردناکی که به خود دیده‌ایم، بر قراریمانیم در بزرگداشت و یآوری با همه کسانی که از نژادهای مختلف، نقشی در تاریخ حیات آدمیان دارند، سهمی داشته‌باشیم.

و اما اسکسکن بر سرشهریاری است که بسیاری از محققان تاریخ آسیای غربی با نام و شهرت او آشنائی دارند چون این شبان زاده خراسانی که خود نیز در آغازهای صباوت به شیوه اسلاف به سر می‌برد، در خطه جهانگیری هنرهایی از خویش نموده است که اهل فن اروپائی نیز، او را با سزار و اسکندر و ناپلئون، مقایسه کرده‌اند برخی هم معتقدند که در فن جنگ و سوق الجیش، اگر بر سرشناسان مزبور برتری نداشته باشند، کهنتر نیز نیست ولی همه صیت عظمت این پادشاه را نباید به فتوحات فوق العاده او در هند و آسیای مرکزی و آسیای صغیر منحصر دانست، چهاو، علیرغم حوادث رنجزائی که در سه و چهار سال پایان زندگی با آنها روبه رو بود - و متاء سئانه سیرتش را در انظار خودی و بیگانه نامطلوب ولکه دار جلوه داد - دارای اندیشه‌های عمیق انسانی و والائی هم در زمینه معنویات و به ویژه مسائل پیچیده مذهبی بوده است و به حق، جادار دکه دوران رفتارهای مهرانگیز و یاقهر آمیز وی در مواجهه با مردم خود و کشورهای دیگر، از این نظر گاه نیز که جنبه‌هایی کاملاً مترقی و بشری دارد، مورد التفات قرار بگیرد.

۱ - گورش کبیر که نمودار خرد و گمال ملک‌داری ایرانی است، به حقیقت، نخستین اعلامیه آزادی بشر و اعتنای به حقوق او را در ۵۳۹ ق. م. در بابل صادر کرده است و ذکر نام پیام‌آوران و متفکرانی چون مانی، مزدک، رازی، ابن سینا، بیرونی و غیره فقط بدان واسطه است که اینان، در جمع انبوه برجستگان ایرانی، در شمار کسانی هستند که شهرت جهانی یافته‌اند.

باری ، این پادشاه که بعد از انقلابات داخلی ایران در پایان حکومت دویست و چهل ساله صوفیان بزرگ (صوفیان) - ۹۰۷/۱۱۴۸ - براریکه سلطنت جلوس کرد ، با مردم مستاصل و آشوب زده های مواجه بود که به سختی در قید تعصبات مذهبی گرفتار آمده بودند و با این که در قسمت عمده ، پیرو آئین مقدس اسلام شناخته می شدند اما حتی در میان خود نیز کار دشمنی و بدبینی و نفرت را به قتل و اسرو نهب هم دیگر می رسانیدند<sup>۲</sup>

اهمیت واقعی نادرشاه در این است که او ، با وجود این که از خانواده های شیعی مذهب برخاسته و در قلب خراسان که به واسطه وجود مرقد امام هشتم کانون توجهات مردم و روحانیون این آئین بود - نشو و نمایافته بود ، باز ضرورت های اجتماعی و مملکتی و شاید بتوان گفت که انسانی روزگار خود را دریافت و نه تنها به تحبیب و جانبداری از اهل جماعت پرداخت که هواداران و پیروان مذاهب دیگری چون زرتشتی ، مسیحی و یهود را نیز مورد مرحمت جدی قرار داد!

به هر طریق ، در مطالعه شرح حال نادر ، موارد متعددی وجود دارد که نشان می دهد او به منظور احترام به مقدسات مذهبی شیعیان ، سنیان و مسیحیان متوسل به اقدامات خاضعانه ای شده ، و علائق خویش را برای جلب حمایت و انکاء سربازانی که از اقطار و اکناف کشورش گرد آمده بودند و در سپاه بزرگش جانفشانی می کردند ، به صورت تقدیر از ائمه آنها معلوم می داشته است .

در سفرهای متعددی که نادر قبل و بعد از دوران سلطنت خود به مشهد می کرد ، همیشه از گرد راه به " عتبه بوسی آستان ملا یک پاسبان علی بن موسی الرضا (ع) " مشرف می شد

۲ - ایرانیان بعد از آن که در اواسط قرن هفتم میلادی ، اسلام را پذیرفتند ، تا آغازهای سده شانزدهم یا اکثر مسلمانان جهان هماهنگی داشتند - و این امر البته بدون وارد شدن در بحث های دقیق اسلام ایرانی که هم از آغاز نماینده ترکیب اصول اساسی اعتقادی و فرهنگی ایرانیان با نوامیس شریف قرآنی است مطرح می شود - به طوری که در ابتدای همین سده ، وقتی شاه اسمعیل اول ، بنیانگذار سلسله صفوی می خواست که عقیده مذهبی خود مبتنی بر تشیع را در میان همه مردم رسوخ دهد ، قرب هفتاد درصد سکنه فلات ایران و به خصوص شهرهای بزرگ آن را سنی ها تشکیل میدادند شاه مزبور ، در واقع نظرات خود را بر اکثریت افراد ملت تحمیل کرد و هر جا که به مسالمت گاری از پیش نمی رفت به شمشیر و خشونت متوسل می شد . ر . ک .

E.G.Browne , Alitrary History of Persia, V.VI, Cambridje, 1969. T.53.

۲ - محمد کاظم مروی نامه عالم آرای نادری ، با مقدمه میکلو خود ماکلای ۳ جلد ، چاپ مسکو ، ۱۹۶۰ جلد ۱ ، ص ۲۴۷ و نیز ۲۶۰ - ۲۶۱ - ۳۱۰ - ۳۱۳ و ۳۱۴ .

و نسبت به مرقدی که در نظر ایرانیان شیعه بالاترین حرمت‌ها را در داخل مرزهای ایرانی، واجد بود، تکریم و تعظیم شایسته به جای می‌آورد. می‌دانیم که نظایر این تواضع‌ها را در باره علی خلیفه چهارم اسلام و امام نخست شیعیان نیز به کرات به کار بسته و خود و محارمش، منالقی کثیر خرج تعمیر و تزئین صحن شریف آن حضرت در نجف کرده‌اند.

باز در وقت دیگری به مرمت مرقد ابوحنیفه از اعظم اهل سنت در بغداد فرمان می‌دهد و "به نحوی مقبره متبرکه و دخمه شریفه امام اعظم (را آراسته می‌دارد که) از اول به هزار نحوزیب و زینت بهتر (می‌یابد)".<sup>۱</sup>

اما قدم اساسی برای رفع اختلافات میان شیعه و سنی را در سال ۱۱۵۶/۱۷۴۳ در بغداد برداشت که مقرر فرمود کلیه علمای طراز اول ایران به دور هم گرد آیند و به همراه شیخ الاسلام عثمانی، عبدالله سویی به بحث بنشینند. نتیجه این مذاکرات به تنظیم وثیقه نامه‌ای انجامید که میرزامهدی خان استرآبادی منشی نادر آن را تنظیم کرده است و الحق از حسن نیت و کاردانی فوق العاده ملاعلی اکبر ملاباشی ایران حکایت‌ها دارد. حاصل سخن آن که "مذاهب ایران در اصول و فروغ متحد و دماء و خروج ایشان در مهدامن و امان، جدائی در کلیات مذاهب نیست".<sup>۲</sup>

پس از این انجمن نیز نادر و محارم او برای این که بی‌طرفی خود را در مسائل مذهبی معلوم خاص و عام کنند مبالغ کثیری برای تزئین و تذهیب عتبات عالیات و مزار ابوحنیفه پرداختند.<sup>۳</sup>

گفتنی است که مساعی جمیله پادشاه ایران زد و دن لکه‌های مناقشات تاریخی که رنگ مذهب به خود گرفته بود، با ترکها، از میان نرفت به دلیل لجاجتی که آل عثمان از خود نشان دادند. همچنان تا پایان روزگار سلطنت نادر و حتی سلسله‌های دیگر ایرانی بعد از افشاریه برقرار ماند. اما رفتار شهریار ایران نماینده کمال عقل و درایت و روشن بینی او بود و به راستی کوشش داشت که جهان اسلامی آن روز را که در زیر سایه دو حکومت مقتدر شیعه و سنی ایران و عثمانی قرار گرفته بود، متحد کند. هرچند که این نهضت عظیم حتی امروز که بیش از دو قرن از آن می‌گذرد جامعه عمل به خود نپوشیده است.

سخن درباره جهان بینی مذهبی نادر، بی‌اعتنا به نقطه نظرهای والای این پادشاه نسبت به کلیه مذاهب و دست کم اقلیت‌های مذهبی مستقر در کشور شاهنشاهی ایران، اکمال

۱- عالم آرا، ۱، ص ۳۰۲

۲- محمد شریف بن ملامصطفی قاسمی اردلان، زبدة التواریخ سندی، نسخه خطی

کتابخانه مرکزی دانشگاه کمبریج، برگ ۱۹۷-۱۹۶.

۳- میرزامهدی خان استرآبادی، جهانگشای نادری، چاپ گلکته، ۱۹۲۲، ص ۳۰۵

نمی پذیرد چه او کرارا " سعه صدر و الطاف خود را معلوم همگان می داشته به نحوه های ضروری و مقتضی حمایت های شاهانه را بدیشان ابلاغ می کرده است .

آبراهام گاتوگی کوس خلیفه آرامنه یکبار در اوچمیاد زین به خدمت ناده می شتابد و به موجب درخواست او شاه به کلیسای معروف منطقه می رود و پس از مشاهده مراسم مذهبی روحانیون مسیحی مبلغ معتنا بهی از نقد و جنس در اختیار آباء کلیسا می گذارد که به مصرف تعمیر و تزئین آن برسانند<sup>۱</sup> در وقت خروج نیز بانهایت رفت و عطوفت کشیشان را وداع می کند و می گوید که " از هیچ وحشت نداشته باشید زیرا که کلیسای شما به منزله خانه من و در تحت حمایت من است ، احدی را قدرت ایداء و مزاحمت شما نیست . " <sup>۲</sup>

مهمترین اقدام نادر را برای اتحاد مذاهب به تلاش او برای ترجمه کتب مقدس مذهبی باید راجع دانست که به قرار توضیحات عبدالکریم کشمیری ، وقتی که شاه در توران بوده است آیه " محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحما بینهم تریهم او رکما " سجدا " یبتغون فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذالک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل . . . " <sup>۳</sup>

رهنمون وی برای توجه به مبانی مذهبی دیگران می شود و چون از ملا علی اکبر ملا باشی نیز تصدیق وجود آئین های دیگر را می شنود ، میرزا مهدی خان را مامور ترجمه متون انجیل و تورات و قرآن به فارسی می گرداند<sup>۴</sup>

لکهارت به استناد به یادداشت های نمایندگان شرکت هند شرقی انگلیس در بندر عباس ، می نویسد که شاه این تصمیم را قبل از تاریخ ۱۱۵۴ و در واقع به سال ۱۱۵۲ در هند گرفته است و از همانجا نیز دستوری برای هیئت های مذهبی مسیحی و نیز یهودیان ایران فرستاده است تا کتاب های خود را ترجمه کنند و به نظر او برسانند . . .

این فرمان علیرغم اختلافاتی که در میان خود هیئت های مذهبی و از جمله شعب مختلف مسیحیت وجود داشت به مرحله اجرا درآمد . میرزا مهدی نیز کوششی به جد مبذول داشت تا در یازگشت شاه از خوارزم و اقامت کوتاه مدت وی در قزوین ، آنها را به حضور ملوکانه عرضه

۱- آبراهام گاتوگی کوس ، منتخباتی از یادداشت ها ، ترجمه عبدالحسین سپنتا ، چاپ دوم ، تهران ، انتشارات وحید ، ۱۳۴۷ ، ص ۷ .

۲- ژنرال کیشمیشاوف ، محاربات نادر شاه در هرات و قندهار و هندوستان ، ترجمه مصطفی الموسوی ، نسخه خطی کتابخانه ملی تهران ، به شماره ۱۶۲ رف ، برگ ۱۴۱ .

۳- قرآن مجید ، ۴۸ ، ۲۹ .

۴- بیان واقع ، به تصحیح و تحقیق دکتر نسیم ، دانشگاه پنجاب لاهور ، ۱۹۷۰ ، ص ۱۱۱ .

دارد. اسقف کاتولیک‌های اصفهان و دو مبلغ کاتولیک و چهار کشیش ارمنی با نمایندگان مذهبی یهود و اسلام به خدمت نادر رسیدند و مورد احترام و پذیرائی قرار گرفتند شاه حتی دستور داد که هزینه سفر هیئت‌های مزبور را بپردازند و برای زحماتی که در ترجمه متون اصیل به فارسی کشیده بودند، تقدیرشان کنند. اما خاطرنشان کرد که به جهت سفری که در پیش دارد فرصت مطالعه ترجمه‌ها را ندارد و از آنجا که یک خدا بیش نیست، یک پیغمبر نیز بیشتر وجود ندارد.

این نوع سخنان البته مورد انتظار کسانی نبود که آن همه زحمت برای برحق نشان دادن آئین خویش کشیده بودند و طبیعتاً توقع امتیازات بیشتری را داشتند ولی نادر در آن ایام رفتاری‌های بسیاری داشت و به طور قطع می‌خواست از لزگیانی که برادرش ابراهیم خان را در حین غیبت او از ایران کشته بودند، انتقام بگیرد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که چوپان پسر خراسانی، با وسعت نظر و روشنی دید خود از بسیاری از اعمال نکوهیده که به وسیله صوفیان و تحت عنوان مذهب عامه در اذهان جا گرفته بود، جلوگیری کرد و هر چند که گاه ناگزیر شد در برابر تعصبات ریشه دار و موهوم برخی از اتباع خویش با خشونت و شدت عمل کند ولی به حقیقت او در رهگذر این مجاهدات به چیزی بیش از حدود تمایلات خرافی توده‌ها توجه داشته است. مسلم است که پادشاه ایران بیش از نگرستن به جنبه‌های محدود سیاست و وحدت گرایانه صوفیان در اندیشه شاهنشاهی بزرگ خود و اتحاد دنیای اسلامی بوده است و حداقل این که در چنان روزگار پرتشویشی یا بلند نظری و روشن بینی یک فیلسوف اجتماعی و یک شه‌ریار عمیق فکر و دوستدار آرامش و آزادی معنوی رعایای خویش، به امور پیچیده مذهبی می‌نگریسته است.

\* این مقاله متن سخنرانی نویسنده است که در هفتمین کنفرانس تاریخ‌دانان آسیا (۳۱ مرداد تا ۵ شهریور ماه ۲۵۳۶) در بانگوک (تایلند) به زبان انگلیسی ایراد شده است.

۲- این معنی در باب مسیحیان به طور مخصوص صادق است. ر. ک. لکهارت، یاد شده و J. Hanway, Nadi, Vol, IV, PP. 216-2